

19 جمادی الثانی مصادف با ازدواج حضرت عبدالله و حضرت آمنه

<"xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم



پیوند میان **حضرت عبدالله و حضرت آمنه** که حاصل آن ولادت باشرف‌ترین و عزیزترین انسان هستی بود، مهمترین و بابرکت‌ترین ازدواج محسوب می‌شود. ثمره این ازدواج مبارک تنها یک فرزند و آن هم وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء **حضرت محمد(ص)** بود.

چگونگی ازدواج حضرت عبدالله و آمنه

روز نوزدهم جمادی‌الثانی سالروز ازدواج دو جواهر هستی یعنی **حضرت آمنه و حضرت عبدالله(ع)** است، که جا دارد به بهانه این روز معرفت و شناختمان را نسبت به این بزرگواران بالا ببریم.

حضرت عبدالله(ع) که بود؟

حضرت عبدالله(ع) پدر بزرگوار **حضرت محمد(ص)** که در میان فرزندان **عبدالمطلب(ع)** امتیاز و محبوبیت ویژه‌ای داشت. پاکی و صداقت، نور نبوت و معنویت، اندامی جذاب، سیمایی دلنشین، اخلاق نیکو و کمالات معنوی، شخصیت این جوان قریشی را محبوب دل‌ها، مورد تکریم تک تک مردم جزیره‌العرب و دوست داشتنی‌ترین چهره حجاز ساخته بود.

حضرت آمنه(س) کیست؟

آمنه (ع) دختر وهب، مادر رسول خدا (ص) نیز، فضائل اخلاقی و ویژگی‌های والای انسانی را از پدرش وهب بن عبدمناف و مادرش برّه به ارث برده بود.

دیدگاه فرزند درباره والدین مکرم خود

رسول اکرم حضرت محمد (ص) بارها به مقام والا و جایگاه معنوی پدر و مادر خویش تأکید ورزیده و با افتخار تمام می‌فرمود: "پدر و مادرم، هیچگاه به آلودگی‌های ظاهری و معنوی دچار نگشتند و همواره خدای متعال مرا توسط پدران و مادران پاکیزه به نسل‌های بعدی منتقل می‌نمود تا اینکه توسط پدر و مادری پاک به دنیا آمدم".

در مورد ایمان قوی و توحید باوری پدر و مادر حضرت رسول خاتم (ص) روایات و اخبار فراوانی نقل شده است؛ و رسول اکرم (ص) در مورد پاکی، ایمان و اعتقاد راسخ پدر و مادرشان می‌فرمودند: "خداوند همواره مرا از صلب‌های پاک به رحم‌های پاک منتقل می‌ساخت تا اینکه به این دنیای شما آورد و هرگز به ناپاکی‌های جاهلیت آلوده نشد".

ماجرای ازدواج آمنه و عبدالله

به هر سخن، ماجرای ازدواج حضرت عبدالله با حضرت آمنه به گونه‌های مختلفی نقل شده است. مرحوم شیخ عباس قمی در این باره می‌گوید: «چون عبدالله به سن جوانی رسید، نور نبوت از جبین پیشانی او ساطع بود. جمیع بزرگان و اشراف نواحی و اطراف، آرزو کردند که به او دختر دهند و نور او را ببرایند. زیرا که یگانه زمان بود در حسن و جمال. و در روز بر هر که می‌گذشت، بوی مشک و عنبر از وی استشمام می‌کرد ... و اهل مکه او را «مصباح حرم» می‌گفتند تا اینکه به تقدیر الهی، عبدالله با صدق گوهر رسالت پناه یعنی آمنه دختر وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب بن مرّه جفت گردید.

سهل گیری در امر ازدواج

برّه، مادر آمنه (ع)، با صلاح‌دید شوهرش وهب به منزل عبدالمطلب (ع) آمد و پیشنهاد ازدواج عبدالله با دخترش آمنه را مطرح نمود و او با کمال افتخار گفت: دخترمان همسر شایسته‌ای است برای فرزندان عبدالله!

عبدالمطلب رو به فرزندش کرده و گفت: پسر من نظر تو در مورد این پیشنهاد چیست؟ به خدا سوگند! در میان دختران مکه، **آمنه** همتایی ندارد؛ زیرا او با حیا و ادب و عقل و دین باور و پاکدامن است.

از سکوت **عبدالله** پدرش فهمید که او با این وصلت موافق است.

در همین حال فاطمه، مادر **عبدالله**، گفت: من به همراه برّه می‌روم و در منزل او، دخترش **آمنه** را می‌بینم اگر صلاحیت او را به همسری پسر **عبدالله** احراز کردم، به این پیوند رضایت خواهیم داد.

وقتی که فاطمه همسر **عبدالمطلب** به منزل وهب بن عبدالمناف آمد، **آمنه (س)** با گشاده‌رویی از او استقبال کرد و خوش‌آمد گفت و مقدمش را گرمی داشت. سرانجام وقتی فاطمه شایستگی و کمالات معنوی و حسن جمال **آمنه** را از نزدیک مشاهده کرد، و متوجه نوری که از چهره وی ساطع می‌شد گردید، گفت: برّه! من قبلاً **آمنه** را دیده بودم، ولی فکر نمی‌کردم اینقدر با حسن و کمال بوده و دلنشین باشد.

آنگاه در ضمن گفتگو متوجه شد که **آمنه** در سخن گفتن نیز دختری فصیح و ادیب است، و به نزد **عبدالمطلب** و **عبدالله (ع)** آمد و گفت: پسر من! در میان دختران عرب هرگز دختری به این شایستگی یافت نمی‌شود. او به دلم نشست و برای همسری تو برگزیدم.

بعد از گفتگوهای ابتدایی، **عبدالمطلب (ع)** به منزل وهب بن عبد مناف آمده و از **آمنه** رسماً خواستگاری کرد. پدر **آمنه** با کمال خوشنودی و رضایت گفت: **عبدالمطلب!** دخترم هدیه است به فرزند شما و من هیچگونه مهریه‌ای نمی‌خواهم! **عبدالمطلب** گفت: خداوند به تو جزای نیک عطا کند، دختر باید مهریه داشته باشد و افرادی از ما و شما لازم است که در این امر گواه باشند. بعد از آن مجلس جشنی ترتیب داده و اقوام هر دو طرف ضمن شرکت در عروسی، به این وصلت فرخنده شاهد بودند و این مراسم چهار روز به طول انجامید و در این مدت **عبدالمطلب** تمامی اهل مکه و نواحی آن را دعوت کرد و در ولیمه عروسی **عبدالله** اطعام نمود. وقتی همسر وهب به نام «برّه» نزد **حضرت عبدالمطلب** رفت و درخواستش را عرضه کرد، او فرمود: دختری را برای فرزندم عرضه نموده‌ای که در میان زنان جز او صلاحیت چنین مهمی را ندارد. و سرانجام در مقابل 100 شتر سرخ فام، **آمنه** خاتون به همسری **عبدالله** درآمد. گویند **حضرت عبدالله** در حین ازدواج 25 یا 30 ساله بود.

بی شک پیوند میان **حضرت عبدالله و حضرت آمنه** که حاصل آن ولادت باشرف‌ترین و عزیزترین انسان هستی بود، مهمترین و بابرکت‌ترین ازدواج محسوب می‌شود. زیرا علاوه بر پیامدهای بی نهایت مثبتی که حاصل این ازدواج داشت، نفس آن هم امری مقدس و دینی بود و نبایستی برای این ازدواج، توجیهی مادی و ظاهری در نظر بگیریم. چون طبق مسلمات فلسفه و عرفان اتفاقی در عالم هستی روی نمی‌دهد و هر پدیده‌ای، معلول علتی است. لذا پیوند میان دو همسر هم طبق علل و عواملی است. و از آنجایی که در علم ازلی الهی مقدر بود که گرانقدرترین موجودات یعنی **حضرت محمد(ص)**- نه مثل **حضرت آدم** که بدون پدر و مادر خلق شد و نه مثل **حضرت عیسی-** از دامن پدر و مادری به دنیا بیاید، مسلماً آن دو، از افراد عادی نبوده و ازدواج میان آنان هم ازدواجی عادی و معمولی نبود و ازدواجشان هم خجسته‌ترین ازدواج‌ها بوده است و خدای حکیم به آنان نظر و عنایت ویژه‌ای داشته است.

عبدالله در طول عمر تنها با آمنه ازدواج کرد و زن دیگری برنگزید و همچنین **آمنه** بعد از ازدواج با **عبدالله** به مدّت کوتاهی زندگی کرد و دار فانی را وداع گفت.

پی نوشت‌ها:

1. عیون‌الاثار، ج 1 ص 36.

2. فضائل پنج تن، ج 1، ص 5، به نقل از کنزالعمال، ج 6، ص 106.

3. بحارالانوار، ج 15، ص 99.

4. مادر پیامبر(ص)، بنت الشاطی، ترجمه احمد بهشتی، سازمان تبلیغات اسلامی.

5. منتهی الآمال، ج 1، ص 41.

6. درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام جلد اول صفحه 99

7. تنقيح المقال، ج3، قسم دوم، ص69 و 70.

8. اثبات الوصية، مسعودي، ص106 تا 107.

9. سيره ابن هشام ج 1 ص 156.

10. بحارالانوار، ج15، ص102.